

یک پُک

(ماجراهای استفانی پلام)

جانت ایوانویچ

ترجمه: زهره زادسر



ناشر برگزیده ویژه سال ۱۳۹۲

۸۱	۹۱۱
۸۱	۱۶۱
۰۷	۷۲۱
۱۶	۶۶۱

فصل‌ها

۹۱ یک اثری داستانی است نام آن مکان‌ها و حوادث در آن است
 ۹۲ یک اثری است که در داستان تغییر یافته اند هر گروه تمساحات با حوادث را

۹۲	درباره‌ی نویسنده
۱۱	۱
۱۸	۲
۲۳	۳
۲۸	۴
۳۶	۵
۴۱	۶
۴۷	۷
۵۳	۸
۶۲	۹
۷۱	۱۰
۷۳	۱۱
۷۹	۱۲
۸۳	۱۳
۸۸	۱۴
۹۴	۱۵
۱۰۱	۱۶
۱۰۷	۱۷

۱۱۶	۱۸
۱۲۱	۱۹
۱۲۷	۲۰
۱۳۴	۲۱
۱۴۰	۲۲
۱۴۵	۲۳
۱۵۰	۲۴
۱۵۷	۲۵
۱۶۵	۲۶
۱۷۲	۲۷
۱۷۸	۲۸
۱۸۹	۲۹
۱۹۳	۳۰
۱۹۷	۳۱
۲۰۹	۳۲
۲۲۲	۳۳
۲۳۲	۳۴
۲۴۴	۳۵
۲۵۶	۳۶
۲۶۵	۳۷
۲۷۸	۳۸
۲۹۱	۳۹

درباره‌ی نویسنده

جانت ایوانویچ،^۱ نویسنده‌ی داستان‌های پرفروش «استفانی پلام»^۲ دوازده رمان عشقی، رمان‌های «آکساندرا بارنابی» و رمان‌های تصویری «اشتهای سیری ناپذیر» و کتاب «من چگونه می‌نویسم» رازهای یک نویسنده‌ی پرفروش، است.

شروع کرد به نوشتن در دهه‌های درخت‌های سرسبز
می‌دید که سبب فاجعه‌ی نوزاد، خشک‌دار اینک، هیچ‌کس نتواند
خود را بی‌زیر بوری فرزند نگذردم، به‌عاش به‌کردن بود که بالا سرت پر باز
می‌کرد و به جورایی رو سرت معلق بود، بعد از خواب یادم و این حس بهم
است داد که خواب معانی دایره
پرسیدم: آنچه معانی؟

گفت: نمی‌دونم ولی نمی‌تونه خوب باشه و هر کدوم رو گذاشت
خلاصه امروزم این طور شروع شد راستش را بگویم، خوابش روی
زندگیم حسایی اثر گذاشت
باید من استفانی پلام استخدام بدو داخلی گروه کاری پسر عزیزم،
دفتر تضمینات رسمی، هستم و در کینج یک مجتمع آپارتمانی ارزان
به‌طریقه با نمای آسری جفتولی، در حاشیه‌ی ترمون،^۳ یوجرسی زندگی

1. Manu

2. Stephanie Plum

مادربزرگم میزرا^۱ امروز صبح زود تلفن کرد و گفت:

«دیشب خوابت رو دیدم.» این راگفت و ادامه داد: «خواب یه اسب بزرگ دیدم که می تونست پرواز کنه. بال نداشت ولی پرواز می کرد. اسب بالای سر تو می پرید، بعد شروع کرد به پرت کردن سیب های درخت های سرراه. تو می دویی که سیب ها بهت نخورن. خنده دار اینکه، هیچی تنت نبود جز یه جور لباس زیر توری قرمز. بگذریم، بعدش یه کرگدن بود که بالا سرت پرواز می کرد، و یه جورایی رو سرت معلق بود. بعد، از خواب پریدم و این حس بهم دست داد که خوابم معنایی داره.»

پرسیدم: «چه معنایی؟»

گفت: «نمی دونم ولی نمی تونه خوب باشه.» و گوشی را گذاشت. خلاصه امروزم این طور شروع شد. راستش را بگویم، خوابش روی زندگیم حسابی اثر گذاشت.

اسم من استفانی پلام^۲ است. من مدیر داخلی گروه کاری پسر عمویم، «دفتر تضمینات وینی»^۳ هستم، و در کنج یک مجتمع آپارتمانی ارزان سه طبقه با نمای آجری معمولی، در حاشیه ی ترنتون،^۴ نیوجرسی^۵ زندگی

1. Mazur

2. Stephanie Plum

3. vinny

4. Trenton

5. New Jersey